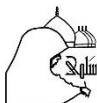


نقش خانواده در مقابله با آسیب‌های فرهنگی رسانه

زهرا عبادی^۱

چکیده

خانواده بستری مهمی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی از جمله تأمین امنیت و آرامش روانی و پرورش نسل است. به همین جهت اسلام خانواده سالم را زیربنای رشد معنوی و روانی جامعه بشری می‌داند؛ اما امروزه تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی به خصوص در زمینه رسانه‌ها، سنت‌های اصیل و نهادینه شده، خانواده‌ها را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. گستره عمل این رسانه‌ها نه تنها شامل عرصه‌هایی چون سیاست و اقتصاد، بلکه عقاید و فرهنگ بومی و مذهبی جوامع را نیز در بر گرفته است. از این رو تحول در سبک زندگی، تغییر باورها، جایگزین شدن ضدارزش‌ها با ارزش‌ها، ارتباط تنگاتنگی با عملکرد رسانه‌ها خواهد داشت. در عصر رسانه‌ها، رکن مهمی چون خانواده نیز برای سازگاری با شرایط جدید و به اصطلاح عقب نماندن از تحولات جامعه مجبور خواهد بود تغییرات مهمی را در خود ایجاد کند؛ اما این تغییرات همیشه در جهت مثبت نیست و اغلب می‌تواند آسیب‌هایی چون ارتباط نامشروع، پرخاشگری، گرایش به خرافات و بدعت‌ها و مدگرایی را به وجود آورد، لذا ضروری است اعضای خانواده‌ها با جدیدترین ابزارهای ارتباط و انتقال اطلاعات و فرهنگ آشنا بوده و کارکردهای مثبت و منفی آن را به درستی تحلیل و بررسی کنند. همچنین با تقویت باورها و ارزش‌های دینی خود، انتخاب دوستان شایسته، حضور در مکان‌های مذهبی، پر کردن اوقات فراغت با تفریحات سالم مانند هنر، ورزش، مطالعه و انتخاب رسانه‌ای اخلاقی و سالم، سلامت فکری خود و اعضای خانواده را تثبیت نمایند.



کلمات کلیدی: خانواده، آسیب فرهنگی، تربیت دینی، رسانه، اخلاق.

طرح مسأله

«خانواده» گروهی است شامل افرادی که از طریق پیوند زناشویی و یا خانوادگی به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل بوده، فرهنگ مشترکی پدید می‌آورد و در واحد خاصی به نام «خانه» زندگی می‌کند. خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی تأثیر فزاینده‌ای بر ایجاد آسیب‌های اجتماعی دارد. رسانه نیز به عنوان یک ابزار قدرتمند در افکار و اندیشه زوجین و روابط آنها با فرزندان مؤثر واقع می‌شود. اگر چه رسانه می‌تواند به صورت مستقیم تمامی آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما تأثیر مهم آن از طریق اثرگذاری در نهادهایی چون خانواده است. در دنیای امروز خانواده با تحولات بزرگی روبرو شده، کاهش تعداد فرزندان، تغییر نقش زن و شوهر، و دگرگونی نقش زنان در اجتماع در کنار عوامل اجتماعی دیگر، ساختار خانواده را متحول کرده است. این دگرگونی‌ها تحت تأثیر عوامل متعددی به وقوع پیوسته که رسانه‌ها را می‌توان از جمله مؤثرترین آنها دانست. پیامد این اثرگذاری را می‌توان در دو قالب پیامدهای مثبت همچون افزایش سطح آگاهی اعضای خانواده در زمینه‌های مختلف از جمله موضوعات و مسائل جسمی، روحی و اصلاح رفتار فردی و جمعی، و پیامدهای منفی چون افزایش خشونت خانوادگی، طلاق، کودک آزاری، همسر آزاری، فرار از منزل و پرخاشگری را مشاهده نمود.

از آنجا که انسان موجودی است که ناگزیر در طول زندگی خود ارتباطات اجتماعی دارد، بنابراین نمی‌تواند جلوی پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری بایستد و به طور کل وسایل ارتباط جمعی را کنار بگذارد تا از رفتارهای انحرافی در امان باشد؛ لذا خانواده به عنوان مهمترین هسته و اساس اجتماع می‌تواند از رهگذر تدین به دین الهی، به تبیین آسیب‌های فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و رفتاری



وسائل جمعی پرداخته، و با ارائه راهکارهای مناسب، نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های رسانه ایفا کند.

۱- مفهوم شناسی

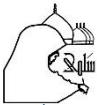
در ابتدا به مفهوم شناسی واژه‌های «رسانه، آسیب‌های فرهنگی، دین، رسانه دینی» پرداخته خواهد شد.

۱-۱- مفهوم رسانه

انسان در زندگی اجتماعی و در برخورد با دیگران نیاز شدیدی به ارتباط دارد و امروزه برقراری ارتباط و تعامل انسان‌ها تحت تأثیر ابزاری به نام رسانه است.

رسانه در لغت: اسم آلت از مصدر «رسانیدن» به معنای وسیله رسانیدن (غلامحسین صدقی‌افشار، حکمی، ۱۳۷۴، ص ۵۰۲) و در اصطلاح علوم ارتباطات به عنوان یک اصطلاح کلی برای اشاره به سیستم‌ها یا دستگاه‌های انتقال اطلاعات یا سرگرمی به کار برده می‌شود. (بیرشک و دیگران، ۱۳۶۹، ص ۴۰۴) در فرهنگ عمید و معین به معنای حسرت، اندوه، افسوس و تأسف آمده است. (عمید، ۱۳۴۳، ص ۵۲۶ و معین، ۱۳۸۰، ص ۵۰۲) چرا که این واژه به فتح و کسر «ر» استعمال شده است. واژه «رسانه» به فتح «را» به معنای حسرت، افسوس و تأسف است. در اینجا این واژه مراد نیست، مراد رسانه به کسر «را» می‌باشد. واژه «رسانه» به کسر «را» به معنا ابزار و وسیله است. (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷)

«**رسانه‌های همگانی**» نیز عبارتند از: «تمام ابزارهای غیرشخصی ارتباط که بدان وسیله پیام‌های بصری و سمعی مستقیماً به مخاطبان انتقال می‌یابند. تلویزیون، رادیو، سینما، مجلات کتاب‌ها، تابلوهای آگهی در زمره رسانه‌های همگانی محسوب می‌شوند.» (گولد، ل کولب، ۱۳۷۶، ص ۴۳۶)





«**رسانه اخلاقی**» به رسانه‌ای اطلاق می‌شود که اخلاق را اشاعه داده و پایبند به اخلاق اجتماعی و غیره باشد. این رسانه، در مقابل رسانه غیراخلاقی قرار دارد، یعنی رسانه‌ای که به موازین اخلاقی پایبند نیست. رسانه‌ای شدن «اخلاق» و یا همان «اخلاق رسانه‌ای» نیز به این معناست که، حوزه اخلاق، به طور فزاینده‌ای به رسانه‌ها وابسته باشند و به کمک رسانه‌های جمعی شکل گیرند. «**اخلاق رسانه‌ای**» شده، اخلاقی است که استقلال خود را از دست داده، در عملکرد خویش به عملکرد رسانه‌ها وابسته‌اند. رسانه‌ها محتوای اخلاقی تولید و مردم و مخاطبان خویش را با اخلاق آشنا می‌سازند. (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷)

بنابراین نقش و رسالت‌هایی که از یک رسانه جمعی مطلوب انتظار می‌رود عبارتند از:

نقش آموزشی: تمام کنش‌ها و واکنش‌ها، اثرات و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی‌های مغزی و معرفتی و مهارت‌ها، نگرش‌ها، و رفتار انسان به کار می‌روند به طریقی که شخصیت انسان را تا ممکن‌ترین حد آن تعالی ببخشند، (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۱۱) و رسانه‌ها از لحاظ در اختیار قرار دادن دانش و آموزش غیر رسمی جایگاه ویژه‌ای دارند.

نقش خبری و اطلاع رسانی: وظیفه و کارکرد اصلی وسایل ارتباطی، انتشار جریان رویدادهای اجتماعی است و همین امر به انسان امکان می‌دهد محیط زندگی را بهتر بشناسد و با توجه به آن نیازهای فردی یا جمعی خود را مرتفع سازد، در برابر دیگران راه و رسم شایسته پیش بگیرد. (کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۷۸) لذا اطلاعات، اخبار و مطالب مطرح شده به وسیله مطبوعات می‌توانند موضوع بحث و تبادل افکار بین اعضای خانواده، دوستان، همکاران و همسایگان باشد. این بحث‌ها و تبادل افکار نه تنها روابط اجتماعی را بیشتر می‌کند بلکه می‌تواند

مردم را از تکرار اشتباهات، از بیپه‌ده کاری‌ها، از رازگویی‌ها و اعتمادهای بی‌مورد باز دارند. (گنجی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸)

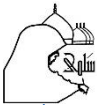
نقش تفریحی و سرگرمی: در دنیای کنونی توجه فراوان به تأمین اوقات فراغت سبب شده انسان‌ها با ایجاد وسایل سرگرمی از زندگی خود بیشترین لذت را ببرند. از این رو بسیاری از مردم به رسانه‌ها به عنوان یک سرگرمی پناه می‌برند تا با برنامه‌های مناسب آن، اوقات فراغت خود را پر کرده و از فشار کار روزانه، خستگی و اضطراب آنها کاسته شود. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۸۴)

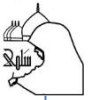
نقش تبلیغی: یکی از نقش‌های رسانه‌های جمعی تبلیغات است. بی‌تردید وسایل ارتباطی نقش تبلیغاتی را با توجه به نیازهای عمومی انجام می‌دهند، مثلاً در زمینه سیاسی به ارشاد مردم و پیش‌بینی و تأمین وسایل زندگی و آسایش آنها همت می‌گمارند. در زمینه‌های اقتصادی به راهنمایی افراد برای خرید کالاها کمک می‌کنند. این وظایف نیز در کنار وظایف خبری، آموزشی، اجتماعی مناسب و مطلوب خواهد بود. (دانایی، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

۱-۲- مفهوم آسیب فرهنگی

در اغلب موارد وسایل ارتباط جمعی در جهت مطلوب استفاده نمی‌شود، بلکه آنها به عنوان ابزار و سلاحی در خدمت منافع حکومت‌ها و صاحبان سرمایه هستند. لذا عملکرد و محتوای رسانه‌ها در روندی معکوس منجر به آسیب رساندن به فرهنگ مردم خواهد شد. (عمید، ص ۵۲۶ و معین، ص ۵۰۲)

آسیب در لغت: به معنای آزار، گزند، درد، رنج، صدمه، زیان، خسارت (عمید، ۱۳۴۳، ص ۳۶)، ضرب، عیب و نقص یا شکستگی که به سبب ضربت و زخم پیدا می‌شود، آمده است. (معین، ۱۳۸۰، ص ۴۵) و در اصطلاح ناهمنوایی با هنجارها یا مجموعه‌ای از هنجارهای معین را آسیب می‌گویند. (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۰)

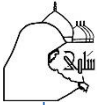




همچنین واژه «آسیب شناسی» به معنای رنج و درد، در اصل از اصطلاحات علم پزشکی است که به شناخت عوامل و نشانه‌های بیماری اطلاق می‌گردد؛ اما در زمینه مسائل روانشناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات‌بخش روانی فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیبها می‌باشد. (اسفندیاری، ۱۳۸۴، ص ۷)

فرهنگ در لغت: در معنای مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم، معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است. (آراسته‌خو، بی تا، ص ۷۲۲) گر چه این لغت در زبان فارسی کلمه‌ای مرکب از «فر» به معنای نور، بزرگی، شرکت و «هنگ» به معنای سنگینی، وقار، قصد و آهنگ، قوم، قبیله، سپاه می‌باشد؛ اما به شکل مرکب آن در معنای دیگری همچون دانش و فرزاندگی، خرد و عقل سلیم، تدبیر و سنجش، تیزهوشی، ادب و اخلاق، آموزش و پرورش آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۲۲۸) اولین تعریف علمی فرهنگ توسط ادوار تایلر در سال ۱۷۸۱ در کتاب «فرهنگ اولیه» این چنین آمده است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگزیده دانستنیها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان یک عضو جامعه کسب می‌کند.» (گولد، ل کولب، ۱۳۷۶، ص ۶۳۰)

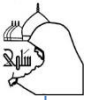
در تعریفی دیگر آمده است: «فرهنگ به منزله توده‌ای از افکار خصایص و اشیاء است که در حکم میراث اجتماعی به وسیله دانش، از نسلی به نسلهای بعد رسیده و صورت مستقلی از مبانی ارثی که توسط پدر و مادر به بچه‌ها منتقل می‌شود، دارد.» (محسنی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۰) در همه جوامع گروه‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی مختص به خود، که آنها را از فرهنگ اصلی و مسلط جامعه مجزا و متمایز می‌کند، وجود دارند، این گروه‌ها گرچه در نقش‌هایی از فرهنگ مسلط جامعه



شریکند، اما دارای ارزش‌ها، هنجارها، زبان یا فرهنگ مادی مشخص و ویژه خود هستند که آنها را «خرده فرهنگ» می‌نامند. (صفاری‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹) گاهی فرهنگ توسط این خرده فرهنگهای معارض، آسیب پذیر شده و موجب درگیری و برخورد فرهنگی در یک جامعه می‌گردد که نتیجه این وضعیت آسیب‌سازی و آسیب‌رسانی بر اعضای جامعه است. البته تشخیص آسیب‌ها با توجه به ملاک‌ها و معیارهای فرهنگی و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه صورت می‌پذیرد. (امین‌صارمی، ۱۳۸۰، ص ۱۶) این خرده فرهنگ‌ها نیز می‌توانند از طریق فرهنگ معارضی مانند رسانه‌ها و ابزار اطلاعاتی آسیب‌پذیر شوند. لذا استخراج عناصر فرهنگ و توضیح آن ما را هرچه بیشتر به مفهوم «آسیب فرهنگی» نزدیک می‌سازد. مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ عبارتند از: ارزشها، باورها و هنجارها. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۹)

ارزشها: «ارزش» عبارت است از بار معنایی خاصی که انسان به برخی اعمال، پاره‌ای حالت‌ها و بعضی پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل است. در واقع هر چیزی که برای یک جامعه مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب تلقی شود جزء ارزش‌های آن جامعه است، مانند: نجابت، درستکاری، شرافت، احترام به حقوق دیگران، تقوا و مانند آنها. (ستوده، بی تا، ص ۲۹)

عقاید و باورها: عقاید توافقی است در مورد اینکه چه چیزهایی در جهان، حقیقی، اصل و درست است و واقعیت دارد. مثلاً اعتقاد به خدای یکتا از جمله عقاید مشترک بین جوامع توحیدی است. اینگونه عقاید که در واقع تفسیری از جهان انسان و در یک کلمه کل هستی است، مشخص کننده نوع نگرشها احساسات و رفتارهای ما نسبت به پدیده‌های این جهان نیز می‌باشد. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۹)



هنجارها و رفتارها: «هنجار» در لغت به معنای معیار، الگو، قاعده، معدل، حد وسط می‌باشد. هنجارها شیوه‌های رفتاری معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل می‌گیرد و با رعایت آن‌هاست که جامعه نظم می‌یابد، و در اصطلاح جامعه‌شناسی، هنجارها الگوهای استاندارد شده رفتار و کردارند زیرا آنها راهنمای آشکاری هستند و به مردم یک جامعه می‌گویند که در هر شرایط اجتماعی چه رفتاری باید داشته باشند. (هدایت الله ستوده، بی تا، ص ۲۹) پس بر اساس شمول فرهنگ بر اعتقادات، اخلاق و رفتار، آسیب‌های فرهنگی بر پایه آسیب اعتقادی، آسیب اخلاقی و آسیب رفتاری شکل می‌گیرد. امروزه آسیب‌های فرهنگی از طریق رسانه‌ها و ابزارهایی نظیر رایانه، ماهواره و دیجیتالی کردن فناوری‌ها صورت می‌پذیرد. این وسایل ارتباط جمعی وضعیتی پدید آورده است که گروه‌ها به راحتی می‌توانند فرهنگ ویژه خود (خرده فرهنگ) را در سطح ملی و منطقه‌ای منتشر سازند و عملاً مرزهایی را که زمانی، افراد جهان را از نظر اقتصادی، جغرافیای و سیاسی جدا می‌گردد، کمرنگ نموده است. (امین‌صارمی، ۱۳۸۰، ص ۲۴)

۱-۳- مفهوم دین

در مجموع زبان فارسی و عربی و معجم‌ها و کتاب‌های لغت برای واژه «دین» معنی بسیاری بیان شده است. در مفردات راغب آمده است: «دین به فرمانداری و پاداش و کیفر اطلاق می‌شود و به صورت استعاره در دین و شریعت استعمال شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۹۸) همچنین در زبان انگلیسی به معنای «پیوند دادن» پیوند انسان با خدا، به نظام عقیدتی یا فلسفه‌ای که اغلب متضمن پرستش خداست، اطلاق می‌شود. (کامران‌فنی، سادات، ج ۸، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹) در مجموع می‌توان گفت دین مجموعه‌ای از احساسات و باورها و ارزش‌ها و عقاید و رفتاری است که از طرف شارع مقدس برای مردم معرفی شده و یکی از راه‌های

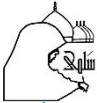
نشر و انتشار معانی بلند دین، تبدیل این یافته به زبان رسانه است؛ لذا وسائل ارتباط جمعی تلاش می‌کنند تا پیام‌های خود را در قالب جذاب با کارکردهای مناسب آموزشی، خبری، تفریحی، تبلیغی به مخاطبان خود القا کنند.

۴-۱- رسانه دینی

رسانه های اسلامی در مقایسه با دیگر رسانه ها، کارکردهایی مشابه با مبنایی متفاوت دارند؛ بدین معنا که در رسانه‌های اسلامی، مبنای تمامی کارکردها، دینی است. اگر دین را به معنای راه و رسم زندگی بدانیم، هیچ امری خارج از دین، معنا ندارد. بدین صورت، هم نیازهای تخصصی مخاطبان و هم نیازهای عمومی آنها در قالب شادی، غم، داستان، مجموعه تلویزیونی و مانند آن پاسخ داده می‌شود. علاوه بر آن، نباید فراموش کرد به دلیل فطری بودن اصل دین، هیچ مفهوم والای انسانی خارج از دایره دین قرار نمی‌گیرد. بنابراین، تمام آنچه حول ارزش‌های انسانی از رسانه پخش می‌شود، همه دینی است و با این نگاه، تفکیک برنامه دینی و غیردینی معنایی ندارد. رسانه دینی، رسانه‌ایست که به طور مشخص و تخصصی به مسائل دینی می‌پردازد، و خود را در مقابل خداوند مسئول می‌داند، نه در مقابل آگهی دهندگان، مشتریان یا دولت. چنین رسانه‌ای حتی برای جذب مخاطب هم در جهت رضایت خداوند عمل می‌کند. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی یک رسانه دینی این است که گردانندگان این رسانه بالذات، خود را در مقابل خداوند مسئول می‌بینند و رساندن پیام‌های او را به عنوان یک پیام‌بر و پیام آور، وظیفه خود می‌دانند. (آشنا، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸-۱۰۹)

۲- نقش خانواده در مقابله با آسیب‌های فرهنگی رسانه

رسانه‌ها با تغییر باورها، ارزش‌ها و رفتارها می‌تواند مانعی برای تأمین نیازهای اصیل مادی و معنوی انسان باشد، لذا نقش خانواده‌ها در مقابله با این آسیب‌ها



بسیار ضروری است. از جمله اقدامات خانواده برای مقابله با آسیب‌های فرهنگی رسانه عبارتند از:

۲-۱- تربیت دینی

شکوفایی استعداد و ظرفیتهای بالقوه بشر مبتنی بر تعلیم و تربیت است، به همین جهت هدف از تعلیم و تربیت در فرهنگ اسلامی، شکوفایی تام استعدادها در جهت رشد شخصیت برای رسیدن به کمال است. (قائمی، ۱۳۷۰، ص ۵) تربیت از ماده «ربو» به معنای «رشد و نمو کردن» بوده (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۹) و «دین» به معنای «آیین شریعت» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۸۹)، بنابراین «تربیت دینی» عبارت است از «مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.» (حسین زاده، داوودی، ۱۳۸۰، ص ۶۲) تعلیم و تربیت قائم بر سه رکن است: معلّم، متعلّم و مواد آموزشی. زمانی که مواد آموزشی توسط دین عرضه می‌شود، می‌توان از تربیت دینی سخن گفت که فرد دیندار اعمال مخصوصی را برای خوشنودی خدا انجام می‌دهد. (مطهری، ۱۳۷۴، صص ۵۲۳-۵۲۵)

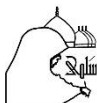
بر اساس آیه ۳۰ سوره روم نخستین منبع درونی تربیت، فطرت است که مخزن همه فضائل بالقوه محسوب می‌شود ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (روم (۳۰)، آیه ۳۰) پیامبران نیز در راستای فطرت توحیدی، مأمور به هدایت بشر توسط تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم شده‌اند. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ



رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)؛ «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاک‌شان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (جمعه ۶۲)، آیه ۲)

با تأمل در روش و سنت امامان نیز میتوان فهمید بخشی از تربیت فرزندان به عهده خانواده آنهاست؛ از جمله امام سجاد می‌فرماید: «و اما حق و کدک فَتَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْكَ... أَنْتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتَهُ مِنْ حَسَنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةَ عَلَى رَبِّهِ عِزِّ وَ جَلِّ وَ المَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ؛ حق فرزند این است که بدانی از تو و وابسته به تو است و تو مسئول او هستی در ادب و راهنمایی او به سوی خداوند عز و جل و یاری او بر طاعت بر خداوند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۴ش، ص ۳۷۱) والدین تنها در صورتی می‌توانند این حق فرزندان را ادا کنند که خود، احکام دین را شناخته و معرفتی صحیح داشته باشند و در مرحله بعد عامل به آن باشند و احکام و آموزه‌های آن را از روی اخلاص و صداقت گردن نهند. در چنین خانواده‌ای است که آموزه‌ها و احکام دین برای فرزندان محترم به شمار می‌رود. برعکس اگر والدین نسبت به امور دینی غافل و یا حتی نسبت به تربیت دینی، نگرشی منفی داشته باشند، در پی تربیت دینی فرزندان و ارتقاء باورهای دینی آنان نیستند (ستوده، بی تا، ص ۵۰) و همین امر موجب غبار گرفتن فطرت پاک و زلال آنان خواهد شد؛ چرا که کودک همچون هر انسانی، در ابتدا به سبب فطرت خداجوی خود، طبیعتی «دین پذیر» دارد که اگر تحت تربیت ناصحیح، ناشیانه و آسیب‌زا قرار گیرد، می‌تواند به حس «دین‌گریزی» و یا حتی در مراحل بالاتر به حس «دین‌ستیزی» تبدیل گردد. (کریمی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۲)

همچنین والدینی که به فرزندان خود بیش از حد سخت گرفته و آداب دینی را پیش از موعد به فرزندان خود تحمیل می‌کند، همانند والدینی که در تربیت دینی





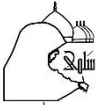
فرزندان خود سهل انگاری کرده و نسبت به پرورش حس دینی آنان بی تفاوت‌اند، از تربیت دینی فاصله گرفتند. بنابراین خانواده با تربیت دینی فرزندان نقش مؤثری در مقابله با آسیب‌های رسانه به عهده دارد تا جایی که آسیب‌شناسان اجتماعی معتقدند بسیاری از انحرافات اجتماعی انسان‌ها تا اندازه‌ای ریشه در خانواده دارد و حتی یکی از راه‌های پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه را روابط خانوادگی می‌دانند. (ستوده، بی تا، ص ۵۰)

۲-۲- شناختن و شناساندن آسیب‌های فرهنگی رسانه

رسانه‌ها نقش چشمگیری در شکل‌گیری فرهنگ و ارزش و اعتقادات هر جامعه دارند، که اغلب با انتظار منطقی از دین، جامعه دینی و ماهیت اسلام، سازگاری ندارد، لذا فردی می‌تواند در مقابل هجمه‌ی این رسانه‌ها بایستد که آسیب‌های رسانه را شناخته و بتواند اعضای خانواده را از خطرات و آسیب‌های رسانه‌ها مطلع کند؛ چرا که درک درست داشتن از مسئله به مثابه نصف جواب است. «من احسن السؤال علم، من علم احسن السؤال؛ آن کس که خوب بپرسد، دانا می‌شود و کسی که دانا باشد خوب سؤال می‌کند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص ۳۳۱) خداوند نیز در اهمیت پیروی از دانسته‌ها می‌فرماید: **(و لا تقف ما لیس لک به علم انّ السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلاً)**؛ آن چه را که بدان علم نداری پیروی نکن، چه گوش و چشم و دل مسئول اند.» (اسراء ۱۷) آیه ۳۴)

۲-۲-۱- آسیب‌های دینی و اعتقادی رسانه

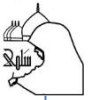
ارائه‌ی اطلاعات غلط و نادرست از اندیشه‌ها و اعتقادات دینی از سوی برخی رسانه‌ها به معرفت آدمیان از دین ضرر می‌رساند که قرآن از آن با عنوان تحریف یاد می‌کند: **(أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ**



اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ «آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند.» (بقره ۲) آیه ۷۵) این آفات در برخی موارد معطوف به روش‌های فهم از دین است، همچون عقلگرایی محض، اخبارگرایی و عمل‌گرایی، و در مواردی آفت‌هایی است که به اصل شناخت باوردینی زیان می‌رساند، آسیب‌هایی چون تحریف، خرافه، شایعه (دژکام، ۱۳۷۷، ص ۴) رسوخ بدعت، غلو، نگاه سطحی به حقایق عمیق اعتقادی و اخلاقی همچون قضا و قدر، جبر و اختیار، تقوا و زهد از جمله آسیب‌های متعددی است که معرفت دینی خانواده‌های دین‌باور را تهدید می‌کند. از این رو امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ مَشَىٰ إِلَىٰ صَاحِبِ بَدْعَةٍ فَوْقَهُ فَقَدْ سَعَىٰ فِي هَدْمِ الْإِسْلَامِ؛ کسی که به سوی دارای بدعت برود و او را بزرگ بشمارد پس در راه ویران نمودن اسلام گام برداشته است.» (بابویه قمی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۹۲) درک دقیق و صحیح از مبانی و مقدمات معرفت دینی باعث پرهیز از پذیرش پیش‌فرض‌های ذوقی و سلیقه‌ای خواهد شد، و فقدان چنین درک عمیقی زمینه آسیب‌پذیری معرفت دینی را در خانواده فراهم می‌آورد.

۲-۲-۲- آسیب‌های اخلاقی رسانه

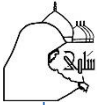
اگر رسانه‌ها برخلاف مقاصد عالی و الهی حرکت کنند، قادر به کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق شده و سلامت فکری و اخلاقی آحاد جامعه را تهدید می‌کنند و الگوهای نابهنجار رفتاری را در جامعه تثبیت می‌کنند؛ از جمله با ارائه تصاویر مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی می‌تواند منجر به گسترش جرائم به ویژه از نوع جرائم جنسی گردد. (قاسم پور، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶) در قرآن و روایات اشاعه، ترویج و ارثه زشتی‌ها مورد نهی قرار گرفته؛ زیرا موجب آشکار سازی زشتی‌ها و برملا کردن آنهاست. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا



لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛» کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خدا [است که] می‌داند و شما نمی‌دانید.» (نور (۲۴) آیه ۱۹) «فحشا» از نظر لغوی هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۰۳) همچنین امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «المذیعُ بالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ؛ کسی که گناه را نشر دهد، مطرود است.» (بابویه قمی، بی تا، ص ۱۷۹) و در روایتی دیگر پیامبر فرمودند: «من اذاع فاحشه کان کمبتدئها؛ کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

همچنین رسانه‌ها با معرفی الگوهای رفتاری نقش مهمی در تکمیل یا تخریب شخصیت افراد دارند و رسانه‌های معاند می‌توانند با اشاعه الگوهای کاذب از طریق معرفی هنرپیشه، فوتبالیست، ورزشکار، خواننده، نویسنده و هنرمند ناسالم و فاسد عامل تخریب و انحطاط افراد باشند. (سهراب پور، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵) در حالی که قرآن به صراحت از پیمودن راه گمراهان نهی می‌کند. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾؛ «راه آنان که گرامی‌شان داشته‌ای، نه [راه] مغضوبان، و نه [راه] گمراهان.» (فاتحه (۱) آیه ۷)

از موارد دیگر آسیب‌های اجتماعی - اخلاقی رسانه‌ها، عادی‌سازی هنجارشکنی است. بدین شکل که با ارائه گزارش‌های مکرر از ارتکاب جرم‌های خیابانی تجاوز به عنف، قتل، جرائم صنفی و مالی و ... موجب شدت جلب توجه افکار عمومی به این دسته از جرائم شده، (سلیمی، داوری، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰) و انعکاس این قبیل کجروی‌ها نقش مؤثری در کاهش نفرت و عادی‌شدن ناپهنجاری در جامعه خواهد داشت؛ زیرا فرد در می‌یابد این هنجارها که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن هستند، لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود. مثلاً دختران شهرستانی با شنیدن اخبار مربوط به فرار دختران متوجه می‌شوند که این کار

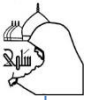


می‌تواند یکی از راههای رهایی او از مشکلات خانوادگی باشد. (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، بی تا، ص ۲۷) در حالی که خداوند در قرآن همواره شیوه گزارشگری و توصیف‌اش در نهایت آزر و حیاء است، مانند بیان سرگذشت قوم لوط که هیچ‌گاه وارد جزئیات و ذکر مصداق کار ناشایست آنها نشده است. ﴿أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ * وَ تَدْرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾ «آیا از میان مردم جهان، با مردها در می‌آمیزید؟ و آنچه را پروردگارتان از همسران‌تان برای شما آفریده وامی‌گذارید؟ [نه،] بلکه شما مردمی تجاوزکارید.» (شعراء (۲۶) آیه ۱۶۵ و ۱۶۶)

همچنین گاهی رسانه‌ها با کتمان اخبار واقعی و جهت‌دهی به آن، عامل نبودن به گفته‌ها، دروغ پراکنی، چاپلوسی و تملق، تخریب و تمسخر، خلاف ارزشها و باورها عمل کرده و به رسانه‌های ضد اخلاقی تبدیل می‌شوند، و متأسفانه با ارائه ساز و کارهای خاص رسانه‌ای به صورت کاملاً جذاب و مخاطب‌پسند خانواده‌ها را به سمت امور ضد اخلاقی سوق می‌دهند، در حالی که خداوند در آیه ۱۱۳ سوره هود می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فْتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ «و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهید شد.»

۲-۲-۳- آسیب‌های رفتاری رسانه

برخی رسانه‌ها را مسئول افزایش پرخاشگری در جامعه صنعتی و شهری امروز، می‌دانند؛ زیرا فیلم و مجله، روزنامه، کتاب، تلویزیون، ویدئو، ماهواره و صفحات اجتماعی حاوی تصاویر و مطالبی است که در آنها اشاره به خشونت، تهاجم، جنایت و حتی خودکشی، بسیار دیده می‌شود. (ستوده، بی تا، ص ۵۹)

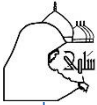


دریافت مداوم و مستمر نمایش و پیامهای خشن در رسانه‌ها تأثیر مخربی بر نگرش مخاطب گذاشته و سبب فراهم شدن زمینه یادگیری اجتماعی و الگو برداری از رفتارهای خشن می‌شود. مثلاً وقتی رسانه‌ها با تبلیغات کالاهای رنگارنگ، زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطبان ترسیم می‌کنند، میل به مصرف کالاهای لوکس در میان مردم افزایش می‌یابد، در حالی که اغلب مخاطبان با توجه به شغل و درآمد خود قادر به تهیه آن‌ها نیستند. در این زمان است که فرد احساس محرومیت کرده و این وضعیت منجر به خشونت و پرخاشگری در میان افراد می‌گردد. (قاسم پور، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳ و ۲۳۵)

همچنین رسانه‌ها به اشکال گوناگون با ارائه الگوهای رفتاری بر روابط اعضای خانواده تأثیر می‌گذارند. خصوصاً در کودکان؛ زیرا این الگوها از زمان کودکی در فرد درونی شده، تصویری خاص از روابط زن، شوهر و فرزندان ایجاد می‌کند. مثلاً هنگامی که در یک سریال تلویزیونی مرد بودن عامل سلطه بر سایر اعضا معرفی شده به طوری که به زن ظلم کرده و یا درخواست‌های به جای فرزندان نادیده گرفته می‌شود، و همزمان پاسخ زن یا فرزندان در قالب پرخاشگری به نمایش درمی‌آید، خشونت خانوادگی ترویج می‌شود، حتی اگر فیلم به این انگیزه ساخته نشده باشد. (رفیعی فر، ۱۳۸۶، ص ۸)

رسانه‌ای کردن جرائم نیز بر نهاد خانواده اثرات مخربی دارد به طور نمونه می‌تواند والدین را نسبت به رفتار فرزندان‌شان بدبین کند؛ چرا که والدین احتمال می‌دهند که انجام این انحراف اجتماعی که از طریق رسانه‌ها منعکس شده است در مورد فرزندان جوان خانواده وجود دارد و این نگرش منجر به تضاد و ناسازگاری‌های افراد خانواده خواهد شد. (سلیمی، داوری، ۱۳۷۰، ص ۲۳۷)

از جمله تغییرات رفتاری دیگری که رسانه‌ها به آن دامن می‌زنند بالا رفتن میزان طلاق، تأخیر انداختن سن ازدواج، محدود شدن تعداد فرزندان، خیانت و پنهانکاری مردان متعهد و ... را می‌توان نام برد. (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵)



همچنین افراط در استفاده از رسانه‌هایی چون اینترنت و فضاهای مجازی، باعث فاصله گرفتن از دنیای واقعی شده، و چت‌روم‌ها و بازی‌های اینترنتی به راحتی جایگزین افراد فامیل و دوستان می‌شود و بروز رفتاری آن کم‌رنگ شدن ارتباطات فAMILI و قطع صله رحم می‌باشد، لذا خداوند در نکوهش صله رحم می‌فرماید: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾؛ «پس [ای منافقان،] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید؟» (محمد (۴۷) آیه ۲۲) این آیه اشاره دارد؛ نتیجه انتخاب نظامی با احکام غیر الهی، فساد در اخلاق است که آشکارترین مظهر آن، اختلاف کلمه، شیوع یافتن تباهی، از هم پاشیدن خانواده‌ها و قطع رحم است. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۵۴) بنابراین رسانه‌ها در بروز رفتارهای نامناسب نقش بسزایی دارند.

۲-۳- تقویت باورها و ارزش‌های دینی در خانواده

خانواده می‌تواند بهترین مأمن و جایگاه برای نهادینه کردن ارزش‌های دینی باشد؛ اما این مهم با ارائه برنامه کوتاه مدت صورت نخواهد گرفت. رسیدن به چنین هدفی نیازمند برنامه ریزی درازمدت است. برای داشتن چنین برنامه‌ای از یک سو در نظام فکری انسان دین باور، دین و عقل پیوندی ثمربخش دارند؛ بدین صورت که عقل به تحکیم مبانی نظری باورهای دینی کمک کرده و دین با گشودن درهای فراعقلی، محدودیت‌های عقل نظری را یادآوری می‌کند و زمینه صعود انسان را به افق‌های بالاتر مهیا می‌سازد. (ایزدی همدانی، ۱۳۸۵، ص ۶۵) از سوی دیگر دین همواره پشتوانه اخلاق بوده تا جایی که گروهی اساساً «دین» را همان «اخلاق» می‌دانند. (توفیقی، ۱۳۹۱، ص ۳۴)

«دین» با ترسیم درست رابطه انسان با آفریدگار و با کمال حقیقی خویش شالوده‌ای متعالی برای بایدها و نبایدها پی‌ریزی کرده، آنچنان که علم مطلق



خداوند و نظارت مداوم او بر ساحت اندیشه و کردار آدمی قوی‌ترین و پایدارترین ضمانت اجرایی را برای قوانین اخلاقی فراهم می‌آورد و این نگرش دینی که انسان مخلوق برگزیده خداوند با ظرفیتی نامتناهی است و هدف از آفرینش او، پیشرفت در طریق معنویت و قرب الهی است، نقش مؤثری در پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها از جمله آسیب‌های رسانه دارد.

۲-۳-۱- خود سازی

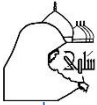
گاهی از رسانه‌ها برای عوض کردن یا دگرگون ساختن فرهنگ جامعه استفاده می‌شود. کار این رسانه‌ها اثرگذاری در اندیشه‌ها و سپس دگرگون کردن ارزش‌ها است، و وقتی باورها و ارزش‌ها تغییر کرد، خود به خود رفتار انسان‌ها نیز تغییر خواهد کرد. به همین جهت رهبر انقلاب می‌فرماید:

«نباید به دشمن و عوامل او اجازه داد در باورها و ارزش‌های مردم مسلمان رخنه کنند و به اصول و مقدمات اسلام خدشه وارد سازند؛ چراکه این کار تحقق خواسته‌های عظیم مردم و سعادت حقیقی آنها را ناممکن می‌سازد.» (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲ش، ص ۱۳۷)

بنابراین یکی از راه‌های مقابله با آسیب‌های فرهنگی رسانه تقویت باورها و اعتقادات توحیدی، شناختن هدف خلقت خود و هستی، و آگاهی و معرفت نسبت به سبک زندگی اسلامی است.

۲-۳-۱-۱- خدانشناسی

ریشه تمام ارزش‌های اخلاقی ایمان به خداست و از دیدگاه اسلام تا کاری به انگیزه ایمان انجام نگیرد، ارزشمند نخواهد بود. با توجه به اینکه ایمان متوقف بر معرفت و شناخت است، هرچه شناخت انسان زنده‌تر و عمیق‌تر باشد، ایمان وی



نیز به همان نسبت می‌تواند زنده‌تر و عمیق‌تر گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش، ج ۱، ص ۲۴۶) به همین جهت حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اول‌الدین معرفته؛ سرآغاز دین شناخت خداست» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۸، ج ۱۲۵) و در بیان دیگر می‌فرماید: «معرفة سبحانه اعلی‌ المعارف؛ شناخت خداوند سبحان بالاترین شناخت‌هاست.» (تمیمی آمدی، ۱۳۲۲ق، ج ۶، ص ۱۴۸)

معرفت و شناخت خدا تأثیر عمیقی در وصول انسان به سعادت و تکامل داشته و مؤثر و فعال بودنش در صورتی است که انسان از این معارف غفلت نکرده و روزانه و به طور مکرر آن معلومات را در ذهن خود حاضر کند به طوری که کارها و تلاش‌های روزانه‌اش را به سمت این محور جهت داده تا در مواجهه با هرگونه شک و شبهه از جمله القائات رسانه‌ها مبنی بر تغییر اندیشه و باورهای توحیدی بتواند با حلّاجی کردن ادله خداشناسی، دل و جان خود را تنبّه و آگاهی دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش، ج ۱، صص ۲۴۷-۲۴۸)

۲-۱-۳-۲- خود شناسی

پرورش و تکامل انسان بدون شناخت حقیقت انسان و جایگاه واقعی امکان‌پذیر نیست، و هر قدر بر دانش شخصی، افزوده شود، اهتمامش به خود بیشتر می‌گردد و در راه تربیت و اصلاح خویش بیشتر می‌کوشد. (طبرسی، ج ۳۰، ص ۱۵۸) از این رو قرآن کریم تزکیه و تهذیب نفس را عامل فلاح و رستگاری انسان معرفی کرده و فساد اخلاق را منشاء رذالت‌ها و مایه زیان می‌داند. **﴿فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾**؛ «سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد،* که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد» (شمس (۹۱) آیه ۸ و ۹) با توجه به این آیات نفس انسان قابلیت تزکیه، و نیز آلودگی را دارد و این دو با انتخاب و اختیار انسان صورت می‌گیرد. اگر خواست نفس خویش را پاکیزه نگه می‌دارد و اگر نخواست آن را آلوده می‌سازد. به همین جهت خداوند فطرت انسان را متوجه



خویش ساخته و می‌فرماید: ﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات (۵۱) آیه ۲۱)، تا با شناخت خود به عنوان آیتی از آیات، در مسیر شناخت خالق و پروردگار قدم برداشته و در نهایت به شناخت خدا برسد؛ «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ». (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲)

۲-۳-۱-۳- تقویت محبت الهی در دل

انسان خداشناس می‌داند که همه وجودش به خداوند وابسته است. اوست که انسان را از گتم عدم به صحن وجود آورد و کمالات بخشید، و لحظه‌به‌لحظه با فیض خود وجودش را تداوم می‌دهد. اگر کسی از انسان دستگیری کرده و او را مدد می‌رساند، به خواست و اراده اوست. نعمت‌هایش چنان گوناگون است که فرموده: ﴿ذَلِكُمْ قَدْ وُفِّوهُ وَ أَنْ لِّلْكَافِرِينَ عَذَابُ النَّارِ﴾؛ «این [عذاب دنیا] را بچشید، و [بدانید که] برای کافران عذاب آتش خواهد بود.» (انفال (۸) آیه ۱۴) اوست که انواع نعمت‌ها را به انسان ارزانی داشته، پی‌درپی یاری‌اش رسانده، خطرها و شرور را از او دور کرده و خواسته‌هایش را برآورده می‌کند؛ پس او شایسته محبت است که همه احسان‌ها از اوست. (جباران، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۲)

۲-۳-۱-۴- مبارزه با ریشه گناه

شناسایی ریشه گناه و ازبین بردن آن خطر انحراف را شدیداً کاهش داده و زمینه ارتقاء بینش و اعتقادات را فراهم می‌کند. همچنان که در روایات حب دنیا و حب نفس سرچشمه لغزش‌های انسانی و رذائل اخلاقی است. «حب الدنيا رأسُ كل خطيئه.» (حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۱، ص ۳۰۸) بنابراین مبارزه با خاستگاه و زمینه‌های نفسانی گناه، از طرفی موجب دوری انسان از لغزش و خطا شده، و از سوی دیگر موجب تقویت اعتقادات، و پاکی روح و نفس آدمی خواهد شد. (جباران، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۷۱)

۲-۳-۱-۵- مبارزه با گناه

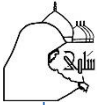
علاوه بر دوری از زمینه‌های ارتکاب گناه، انسان موظف به مبارزه مستقیم با خود گناه نیز می‌باشد، به طوری که یا خود گناه را درک کند؛ همان طور که حضرت یوسف (علیه السلام) از ارتکاب گناه به خدا پناه برد و خدا نیز او را یاری کرد، و یا در صورت ارتکاب به گناه، فوراً آن را با توبه جبران کند. ﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛ «توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند؛ اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد، و خداوند دانای حکیم است.» (نساء (۴) آیه ۱۷)

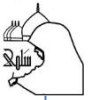
۲-۳-۱-۶- محاسبه نفس

از اموری که برای جهاد با نفس لازم است، «مشارطه، مراقبه و محاسبه» است. «مشارطه» آن است که مثلاً در آغاز روز با خود شرط کنی خلاف فرموده خدا رفتار نکنی. «مراقبه» مرحله بعدی است، یعنی در تمام شرایط باید مواظب باشی که خلاف نکنی و در طول روز به خود یادآوری کنی؛ من با خود شرط کرده‌ام، خلاف فرمان الهی عمل نکنم. و «محاسبه» آن است که شب از خود حساب بکشی که آیا به آن شرط وفا کردی؟ (محدثی، ۱۳۹۳ش، ص ۴)

۲-۳-۱-۷- تأمل در عاقبت گناهکاران

آگاهی از عاقبت گناهکاران و اندیشه در سرانجام آنها عاملی برای زدودن غفلت و دوری از انحراف و تقویت ایمان و اعتقاد است، به همین جهت خداوند سرانجام مجرمان، مفسدان و مکذبان را در قرآن ذکر کرده تا پند و عبرتی برای جهانیان باشد. ﴿فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ * فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَ





مَثَلًا لِلْآخِرِينَ»؛ «و چون ما را به خشم درآوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. * و آنان را پیشینه‌ای [بد] و عبرتی برای آیندگان گردانیدیم.» (زخرف (۴۳) آیه ۵۵ و ۵۶)

۲-۳-۱-۸- یاد مرگ

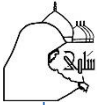
خداوند می‌فرماید: «مرگی که از آن می‌گریزید، شما را درمی‌یابد. ﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ بگو: «آن مرگی که از آن می‌گریزید، قطعاً به سر وقت شما می‌آید؛ آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده خواهید شد، و به آنچه [در روی زمین] می‌کردید، آگاه‌تان خواهد کرد.» (جمعه (۶۲) آیه ۸) بنابراین شایسته است انسانی که به سوی مرگ می‌تازد و راه فراری از آن ندارد، لحظه‌ای از فکر آن غافل نشود چرا که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زیرک‌ترین مردم (محدثی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۹۵)

۲-۳-۱-۹- انجام تکالیف شرعی

انجام واجبات و اطاعت از فرامین الهی در تقویت ایمان مؤثر بوده و در نهایت به حصول ملکه تقوا و بهره‌مندی از آثار و ارزش‌های ناشی از آن می‌انجامد و همین ملکه می‌تواند انسان را از انجام بسیاری از گناهان و انحرافات بازدارد.

۲-۳-۲- دگرسازی

هر فرد از اعضای خانواده علاوه بر اینکه موظف به خودسازی و رشد و تعالی اعتقادات دینی خود است، می‌بایست در جهت تقویت باورهای دینی خانواده‌ی خود نیز تلاش کند. در این امر فرقی بین والدین و فرزندان نیست. همانطور که



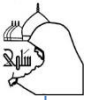
تربیت صحیح فرزندان بر عهده والدین بوده و نقش آنان در این مسیر پررنگ‌تر است، ولی فرزندان نیز می‌توانند موجب هدایت و سعادت والدین خود باشند. همانطور که در صدر اسلام «عمار» صحابه با وفای پیامبر (صلوات الله علیه) توانست والدین خود یعنی «سمیه و یاسر» را به دین اسلام دعوت کرده و موجب سعادت آنان گردد.

بنابراین هر فرد از اعضای خانواده که توانایی تبلیغ، تعلیم، تربیت، ارشاد و نصیحت دیگر اعضای خانواده را داشته باشد، می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء سطح بینش و نگرش خانواده داشته باشد. از جمله روش‌های مؤثر در این راه عبارتند از:

۲-۳-۱- ارائه الگوی مناسب

الگوهای جذاب در یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان‌ها نقشی اساسی دارند، و والدین بهترین الگو برای فرزندان در سنین کودکی محسوب می‌شوند؛ اما در سنین نوجوانی و جوانی تأثیرپذیری آنان از خانواده به شدت کاهش می‌یابد و جوان برای ساختن نظام ارزشی و اعتقادی خود می‌خواهد از چیزهایی غیر از خانواده استفاده کند. در این وقت، وظیفه والدین است که با ارائه یک الگوی مورد قبول، مناسب و در دسترس او را از سردرگمی برهاند، و اگر این کار را نکند، چه بسا به الگوهای مجازی پناه برده و یا تحت تأثیر دوستان کم‌تجربه قرار گیرد و یا به دام شیادانی بیفتد که در کمین جوانان سردرگم هستند. (شاکری، بی‌تا، ص ۱۲۵)

خداوند در قرآن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان فردی از افراد بشر الگو و اسوه ای برای تمامی اقشار جامعه می‌داند. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» (احزاب (۳۳) آیه ۲۱)



ایشان علاوه بر بهترین عبد بودن، بهترین همسر و پدر نیز بودند. از جمله الگوهای دیگری که خداوند معرفی می‌کند، می‌توان حضرت مریم (علیها السلام) و دختران شعیب (علیه السلام) را نام برد.

خداوند با تاکید بر ویژگی‌های بشری، آنان را سرمشق دیگران قرار داده است؛ و وظیفه والدین است تا فرزندان خود را گام به گام با چنین الگوهایی آشنا کنند. نه اینکه الگوهای دینی را به مثابه فوق بشری معرفی کرده تا جایی که الگو گرفتن از آنان امری محال و نشدنی جلوه کند. و وقتی انسان نتواند الگوی مناسب در بین دین‌گرایان بیابد، از بین دین‌ستیزان، الگوی خود را بر می‌گزیند. (ساجدی، بی‌تا، ص ۲۳۷) بنابراین خانواده با ارائه الگوی مناسب می‌تواند زمینه‌ی گریز از دین را ببندد.

۲-۳-۲-۲- تشویق به مطالعه کتاب‌های سازنده

ممکن است هر کدام از اعضای خانواده به دلیل تبلیغات رسانه‌های گروهی نسبت به آگاهی از مسائل دینی احساس بی‌نیازی کرده و یا حتی به عقاید گروه‌های انحرافی تمایل پیدا کنند بنابر این خانواده‌ها باید بکوشند تا اولاً انگیزه مطالعه را در بین اعضای خانواده بالا برده و ثانیاً در ارائه محتوا نهایت دقت را به عمل آورند. همان طور که خداوند، پیامبران را فرستاد تا از طریق تلاوت آیات، تزکیه و تعلم بشر را هدایت کنند. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاک‌شان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (جمعه ۶۲) آیه ۲)

۲-۳-۲-۳- تشکیل جلسات پرسش و پاسخ خانوادگی

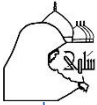
در اسلام عقاید و اصول دین تقلیدی نیستند، بلکه باید عقلانی به آن‌ها ایمان آورد؛ لذا وجود شک و یا پرسش از آن‌ها ممنوعیتی ندارد بلکه در شک ماندن خطرناک است. بنابراین افراد خانواده با سیر مطالعاتی که دارند می‌توانند پاسخگوی سوالات دیگر اعضا بوده و این قدرت پاسخگویی خود می‌تواند انگیزه‌ای برای مطالعات بیشتر شده و باعث ارتقاء سطح معلومات خانواده و تثبیت ارزش‌های دینی آنان گردد.

۲-۳-۲-۴- انتخاب دوستان خوب و شایسته

تجربه نشان می‌دهد معمولاً افراد دوستی خود را با دوستان دوران کودکی ادامه می‌دهند، (فتاحی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۱) لذا پدر و مادر می‌توانند از همان کودکی برای فرزندشان دوستانی خوب و شایسته انتخاب کنند و این امر وقتی محقق می‌شود که ملاک انتخاب دوستان خوب را بدانند. از مهمترین ویژگی‌های دوست خوب، «ایمان» است که خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقِيَةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ ﴾؛ افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد. (سوره آل عمران، آیه ۲۸). در این آیه خداوند ملاک دوستی با افراد را «ایمان» آنها معرفی می‌کند. از آنجا که ایمان نشانه‌هایی دارد که در رفتار شخص بروز می‌کند، لذا با شناخت آن نشانه‌ها می‌توان افراد با ایمان را شناخت.

در روایتی، امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) به برخی از علامات ایمان اشاره کرده و فرمودند:





«عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثِّرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكِذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ وَ أَلَّا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عِلْمِكَ وَ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثٍ غَيْرِكَ؛ نشانه ایمان آن است که راستگویی را در جایی که به زیان توست بر دروغ در جایی که به نفع توست مقدم داری و در سخنت چیزی زیاده از عملت نباشد و در هنگام سخن گفتن درباره دیگران تقوا را پیشه خود کنی.» (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۷۵)

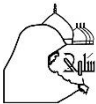
۲-۴- بستر سازی برای حضور در مکان های مذهبی

حضور خانواده در مکان های مذهبی همچون مسجد، مجالس روضه خوانی و عزاداری موجب بهره گیری از برنامه های سازنده و روح بخش آن شده و اعضای خانواده را با خدا مانوس کرده و موجب تثبیت اعتقادات مذهبی خانواده خواهد شد.

۲-۴-۱- مسجد

اسلام نظامی است بر پایه ایمان به وحدانیت خدا، و مسلمانان امتی واحدند که بر اساس شعار توحید گرد هم آمده اند. مرکز این نظام «مسجد» است؛ چرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صاحب دعوت اسلامی و متحد کننده حکومت اسلامی، مسجد را به عنوان یک چهار چوب سیاسی، اجتماعی و فکری بنا نمود. (الولی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۹)

مسجد از آغاز پیدایش تاکنون به عنوان مرکز مهمی برای انجام رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منشا تحولات و خدمات، و پایگاهی برای ابلاغ پیام های الهی به شمار می رفته است. در حال حاضر نیز می توان با برنامه ریزی صحیح و سپردن اداره مسجد به افراد متعهد، متدین و متخصص، کارکردی بیش از تصور عامه مردم برای مسجد ترسیم کرد؛ از جمله کارکردهای آموزشی، تبلیغی،



اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، مبارزاتی و روانی.^۱ و هر قدر این فعالیتها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار باشد مسلماً از جذابیت و اقبال بیشتری برخوردار شده و مورد استقبال گسترده‌تری از سوی تمامی اقشار جامعه، به ویژه خانواده‌ها قرار خواهد گرفت که نتیجه آن افزایش اعتقادات مذهبی و دین باوری در سطح جامعه می‌باشد. (فجری، ۱۳۹۰، ص ۶)

۲-۴-۱-۱- نقش والدین در انس فرزندان با مسجد

اولین محیط آموزشی کودکان، خانواده است و کودک دروس اولیه زندگی را از والدین و اطرافیان فرا می‌گیرد. حرکت، اعمال و ویژگیهای رفتاری والدین از طرز تفکر و آداب و رسوم گرفته تا سطح اندیشه و فرهنگ آنان در کودک تأثیر می‌گذارد. بر این اساس اگر پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده افراد وظیفه شناس، اهل عبادت و مسجد باشند، معمولاً در چنین محیطی کودکانی سالم، با شخصیتی مثبت و فعال پرورش می‌یابند. (جهانگرد، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴) لذا حضور در مسجد، در تعلیم و تربیت کودکان جنبه‌های مثبتی دارد، که نباید از آن غفلت کرد. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «اگر کودک به مسجد نرود در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود، زیرا اصلاً حضور در جمع مشوق انسان است. باید با بچه‌های خودمان برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا آنها با مساجد و معابد آشنا شوند.» (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج ۲۳ ص ۵۲۹)

بردن فرزندان به مسجد مزیت‌های بسیاری دارد؛ از جمله: گرایش به مناسک دینی، تقویت اعتماد به نفس و همچنین ارتقای ارتباطهای اجتماعی آنان، لذا والدین می‌توانند با حضور پرشور خود در مساجد الگویی مناسب برای فرزندان خود باشند و با تهیه محتوای فرهنگی در قالب کتاب، لوح فشرده آنها را با نماز

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: روزنامه کیهان، شماره ۲۰۰۲۴ به تاریخ ۹۰/۶/۲۴، ص ۶.



و مسجد و اثرات مثبت آن آشنا کنند تا جایی که آنها با مسجد و نماز انس گرفته و لذت ارتباط با خدا و عالم غیب را درک کنند، در این صورت هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند خود را به لذت‌های حرام آلوده کنند. به همین جهت یکی از راه‌های مقابله با رسانه مخرب مسجد است. (سهراب پور، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵)

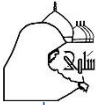
۲-۴-۲- مجالس روزه و مولودی

شیعیان در ایام ولادت ائمه (علیهم السلام) در خانه‌ها، هیئت‌ها و یا مساجد مراسم جشن و مولودی خوانی برپا می‌کنند، و در ایام شهادت ایشان با مداحی و روزه خوانی از مظلومیت آنان یاد کرده و با فضائل، مناقب و زندگی ائمه (علیهم السلام) بیشتر آشنا می‌شوند.

اغلب مراسم‌های عزاداری در محرم و صفر، برای زنده نگهداشتن حادثه عاشورا، برپا می‌گردد، که مورد تایید ائمه بوده، بدین صورت که ایشان از ذاکران و مداحان تقدیر کرده و برایشان دعا می‌کردند؛ «الحمد لله الذی جعل فی الناس من یفد الینا و یمدحنا و یرثی لنا؛ خدا را سپاس که در میان مردم کسانی را قرار داده که به سوی ما می‌آیند و ما را مدح و مرثیه می‌گویند.» (ابن قولویه، بی تا، ص ۳۲۶)

برپایی این مجالس زمینه‌ای برای آشنایی مخاطبان با پاره‌ای از معارف و علوم اسلامی بوده، پیام اصلی این مراسم توجه به سیره عملی معصومین و شعار همیشگی آن «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» (ابن طاووس حلی، ۱۳۷۷، ص ۱۲) هشداری است برای مخاطبان که نسبت به حوادث و رویدادهای زمان خود آگاه و حساس باشند، و به وظایف عاشورایی خود عمل کنند.

حضور خانواده در چنین مراسمی آنان را با سیره ائمه آشنا کرده و باعث می‌شود ائمه را به عنوان بهترین الگو و سرمشق و قهرمان زندگی خود قرار دهند. همچنان که امام حسین (علیه السلام) حرکت خویش را برای مردم سرمشق



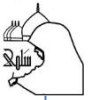
می‌داند و اصحاب خود و احرار را مخاطب قرار داده می‌فرماید: «فکم بی اسوء؛ من برای شما الگو هستم.» (مجلسی، ۱۱۱۱، ج ۴۴، ص ۳۸۲)

نه تنها امام حسین (علیه السلام) بلکه تمام اصحاب ایشان می‌توانند الگوهای تربیتی برای تمام اعضای خانواده باشد؛ چرا که در میان آنها زن، مرد، کودک، خردسال، جوان، میانسال و پیر حضور داشته و هر کدام نقش پررنگی در حادثه عاشورا ایفا کردند.

اگر افراد خانواده بدانند در صورت پیروی از تعالیم دینی، مورد لطف و عنایت امام حسین (علیه السلام) قرار گرفته و با توسل به ایشان از بار مشکلات کاسته و یا حل می‌شود، و در آخرت مورد شفاعت وی قرار خواهند گرفت، دلباخته و مجذوب ایشان شده، و راه و روش او و یارانش را سرمشق خود قرار می‌دهند، لذا حضور پر شور و شعور در مجالس اهل بیت (علیه السلام) می‌تواند تا حدودی افراد را از آسیب‌های رسانه حفظ نماید.

۲-۵- پر کردن اوقات فراغت با تفریحات سالم

تفریح و سرگرمی در زندگی بشر یک ضرورت حیاتی است که در طفولیت به صورت بازی‌های کودکان انجام می‌شود و در بزرگسالی به اعتبار تفاوت تربیت‌های خانوادگی و شرایط محیط اجتماعی به شکل‌های مختلفی تحقق می‌پذیرد. میل به تفریح یکی از خواسته‌های طبیعی است که با سرشت انسان آمیخته شده و از آغاز زندگی تا پایان عمر همواره ثابت و پایدار است. (فلسفی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۲۷) امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «السرور یبسط النفس و یثیر النشاط؛ فرح و شادمانی باعث بهجت و انبساط روح و مایه تهییج و جد و نشاط است.» (تمیمی آمدی، ۱۲۲۱ق، ج ۲، ص ۱۱۳) تفریح سالم علاوه بر تأثیر بر جسم و روح، آدمی را برای فعالیت اقتصادی و اجتماعی نیز آماده می‌کند. چنانچه امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «إجعلوا لأنفسکم حظاً من الدنيا...واستعینوا بذلك



علی امور الدین؛ از لذایذ دنیا نصیبی برای خود قرار دهید... و از آن برای امور خویش یاری بگیرید.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۷۵۰)

در اسلام میل به تفریح مورد توجه واقع شده به طوری که هر مسلمان موظف است اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم کرده که یکی از آنها اختصاص به ساعات تفریح و بهره‌بردن از لذات دارد.

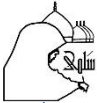
«اجتهدوا فی أن یکونَ زمانُکم اربعَ ساعات؛ ساعةً لمناجاةِ الله و ساعةً لِأمر المعاش و ساعةً لمعاشرَةِ الإخوان و الثِّقات ... و ساعةً تخلوا فیها لِذاتِکم فی غیر محرّمٍ و بهذه الساعةُ تقدرون علی الثَّلاثِ ساعات؛ کوشش کنید اوقات روز شما سه ساعت باشد، ساعتی برای عبادت، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای مصاحبت با دوستان و افراد مورد اعتماد... و ساعتی را به تفریح و لذایذ خود اختصاص دهید و از نشاط ساعات تفریح، نیروی انجام وظایف در ساعات دیگر را تأمین کنید.» (مجلسی، ۱۱۱۱، ج ۷۵، ص ۲۹۶) این روایت به خوبی می‌رساند که پرداختن به تفریح تنها برای ایجاد نشاط نیست بلکه برای درست انجام دادن دیگر وظایف آدمی در طول روز است؛ لذا باید این میل طبیعی تعدیل کرد و از تندروی آن جلوگیری کرد.

از جمله تفریحات مورد توجه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۵-۱- مسافرت

در اسلام سفر به شرط اینکه برای معصیت و به منظور اجرای برنامه‌های غیر مشروع و ناروا نباشد، یکی از وسایل تفریح و لذت شناخته شده و در روایات مورد توجه قرار گرفته است (فلسفی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۳۹)

« لا ینبغی للرجل العاقل أن یکون طاعناً الا فی ثلاث؛ مرمهً لمعاشٍ أو تزوُّد لمعاد أو لذةً فی غیر مُحرّم؛ سزاوار نیست انسان عاقل به سفر برود مگر برای سه



منظور؛ یا برای تجارت و تحصیل درآمد و اصلاح معاش یا برای ذخیره معاد یا برای تفریح و لذایذ مباح» (حر عاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۷)

همچنین سفر فرصتی است برای آگاهی از وضع محیط‌های مختلف طبیعی و اجتماعی، بنابراین باعث بالارفتن سطح فهم و معلومات می‌شود. «مسافرت کنید چه اگر در سفر نفع مالی نصیبتان نشود از فواید عقلی بهره‌مند خواهید شد؛ **فإنکم إن لم تغنموا مالا افدتم عقلاً**» (فلسفی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴۵)

لذا قرآن دستور می‌دهد در روی زمین به سیر و سیاحت بپردازند و با مشاهده آثار گذشتگان عبرت گرفته و آثار عظمت خداوند را مشاهده نمایند. **{قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ}**؛ «قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟» (آل عمران (۳) آیه ۱۳۷)

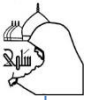
البته در مسافرت‌های خانوادگی باید کارها را به صورتی تقسیم شود که همه اعضای خانواده، در انجام کارها مشارکت داشته باشند تا همه افراد خانواده، به یک اندازه از لذت و تفریح برخوردار شوند.

۲-۵-۲- ورزش و مسابقه

ورزش اعضای بدن را به فعالیت وامی‌دارد و قوای جسمی را به توازن می‌رساند و تا حدودی اعمال تطابقی بدن را تنظیم می‌نماید. (فلسفی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴۹)

از این رو مورد سفارش ائمه واقع شده است. از نظر اسلام خوشبخت کسی است که قوای بدنش نیرومند است «طوبی لمن أسلم و كان عيشة كفافاً و قواه شداد؛ خوشبخت کسی است که آیین اسلام را پذیرفته و به قدر معاش خود درآمد دارد و قوای بدنش نیرومند است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۱)

دیدگاه رهبر انقلاب به مقوله ورزش به نوبه خود جالب و شاید بتوان گفت نگاهی متفاوت است. به اعتقاد ایشان ورزش، در اصل، یک حرفه نیست بلکه شأنی



از شوون زندگی است؛ مثل غذا خوردن، یعنی هرکس غذا می‌خورد، ورزش هم باید بکند. یعنی خدای متعال این جسم را طوری آفریده که اگر شما ورزش نکردید، مثل این است که نخوابیده‌اید؛ مثل این است که غذا نخورده‌اید. یعنی خلاف مقتضای جسم عمل کرده‌اید. اگر خدای متعال می‌خواست این بدن تحرک نداشته باشد، آن را عضلانی نمی‌آفرید؛ آن را با این مفاصل نمی‌آفرید. این مفاصل برای این است که باید تحرک ایجاد کند. انسانی که راه نرود، خم و راست نشود، تکان نخورد، در میدانهای سخت، بدن خودش را به کار نیندازد، جسم را معطل گذاشته است. بنابراین، ورزش یکی از شوون زندگی است. لذا همه از بزرگ و کوچک، زن و مرد، پیر و جوان باید ورزش کنند. (بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز، ۱۳۷۲/۰۴/۲۹)

همچنین با ورزش می‌توان از انحرافات که در مواقع بیکاری دامنگیر افراد خانواده می‌شود، جلوگیری کرد، لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اصحاب خود می‌فرمودند: «عَلِّمُوا أَبْنَاءَكُمْ الرَّمِيَّ وَالسَّبَاحَةَ؛ به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید. (راوندی، ۵۷۹ق، ص ۴۹) شنا عضلات را به حرکت در می‌آورد و جسم را تقویت می‌کند ورزش های مفید و نیرو بخش دیگری از قبیل پیاده‌روی، کوهنوردی نیز باعث تامین سلامت بدن و تقویت جسم می‌شود.

از این رو رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «هر کس به هر ورزشی که دوست دارد و با وضع و طبیعت و امکانات او متناسب است، بپردازد. منتها بی‌خرجترین ورزشها کوهنوردی است. گاهی من در همین راه «کُلک چال»، خانم‌هایی را می‌بینم که با چادر مشکی این راه را طی می‌کنند؛ با اینکه قسمتی از این راه، بسیار ناهموار است. خوب؛ این همت است دیگر و من آنها را بسیار تحسین می‌کنم». (مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما هنگام کوهپیمایی، ۱۳۷۵/۰۶/۰۲)

خانواده در پر کردن اوقات فراغت جوانان با اینگونه ورزش های سالم نقش بسیار تعیین کننده در مقابله با آسیب های رسانه خواهند داشت.

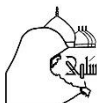
۲-۵-۳- پرداختن به کارهای هنری و مهارت آموزی

در قدیم کودکان از پدر و مادر خود، مهارت‌های گوناگونی می‌آموختند. دختران در کنار مادر، هنرهایی چون خیاطی، آشپزی، قالی‌بافی، پختن شیرینی‌های محلی و... را آموخته و به اصطلاح از هر انگشتشان یک هنر می‌ریخت. پسران نیز معمولا در کنار آموختن شغل پدر، مهارت‌هایی چون کارهای فنی، کشاورزی و ... را نیز تجربه می‌کردند.

اما امروزه با ترویج شهرنشینی و فرهنگ آپارتمان‌نشینی، و همچنین تغییر رویه والدین در تربیت کودکان، آموختن هنر و یادگیری مهارت به کودکان بسیار کم رنگ شده و جای خالی کاردستی و هنر را رسانه‌ها، به خصوص فضای مجازی پر کرده است. در حالی که هنر نقشی ماندگار در پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان و رشد ویژگی‌ها و قابلیت‌های مختلف او دارد. لذا خانواده‌ها می‌توانند با مشارکت دادن اعضای خانواده در کارهایی که متناسب با سن و علاقه افراد است، ضمن بهره‌گیری از کارکردهای اساسی هنر، همچون تأثیرگذاری بر حوزه‌های مختلف شناختی، تربیت معنوی و رشد فضائل اخلاقی، رشد احساسات و عواطف، پرورش خلاقیت و آفرینشگری، توسعه ارتباطات اجتماعی و شکل دهی به هویت فرهنگی، فضایی شاد و پر انرژی میان اعضای خانواده ایجاد کرده و دنیای واقعی را در کنار هم تجربه کنند. (کرمی، عابدی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹)

۲-۵-۴- استفاده از رسانه‌های مثبت

امروزه عصر ارتباطات است و به هیچ وجه نمی‌توان رسانه‌ها را نادیده گرفت لذا بعد از شناخت آسیب‌های رسانه می‌توان از آن‌ها در جهت مثبت استفاده کرد، مثلا وقتی فیلمی فاخر در سینما اکران می‌شود، اعضای خانواده می‌توانند در کنار



هم به سینما رفته، تا علاوه بر نشاط و حضور اجتماعی، از سازندگان و محتوای آن فیلم حمایت کند.

نتیجه‌گیری

همانطور که انکار پیشرفت‌های علمی خیره‌کننده در جهان به خصوص در زمینه ارتباطات و رسانه ناممکن است، تسلیم شدن در قبال محتوای ارزشی، باوری و رفتاری رسانه‌ها نیز نامقول به نظر می‌رسد؛ چرا که هر گروه و مجمع یا هر خانواده در هر کجای جهان برای خود چهارچوب و قواعدی دارد که آنها را پذیرفته و رعایت آنها را جزء وظیفه خود برمی‌شمرد. این امر در خانواده‌های توحیدی به خصوص مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مبنا و ملاک یک مسلمان اطاعت محض از دستورات خداوند تعالی است. بنابراین خانواده‌های مسلمان موظفند در برخورد با رسانه‌ها نیز رضایت پروردگار خویش را لحاظ کرده و با نگاهی متفاوت به رسانه‌ها آن را رصد کنند. بنابراین بهره‌گرفتن از رسانه‌ها زمانی امری مطلوب خواهد بود که در طول زمان عقاید توحیدی مسلمانان را کمرنگ و یا محو نکنند. در اینجا است که نقش خانواده‌ها در مقابله با آسیب‌های فرهنگی رسانه پررنگ‌تر خواهد شد، زیرا خانواده اولین مهد تربیت است. اگر والدین از مبانی اسلامی به خوبی بهره‌برده باشند و با تزکیه نفس، تسلیم و سوسه‌های شیاطین نشوند، می‌توانند فرزندان خود را نیز اسلامی تربیت کنند، و همین امر سبب می‌شود تا با توجهی خاص رسانه‌های اخلاقی را از اخلاق رسانه‌ای تشخیص داده و به دنبال جایگزینی مناسب برای خنثی کردن تهاجم رسانه‌های ضد ارزشی باشند. از جمله اقدامات مناسب که می‌توان به آن اشاره کرد: حضور در اماکن مذهبی، گرایش به هنرهای اصیل، سیر و سیاحت و گردشگری، حضور در مسابقات ورزشی، و در نهایت افزایش مهارت برای خلق محتوای ارزشی.



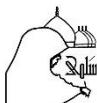
فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

*نهج البلاغه، ترجمه دشتی.

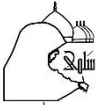
منابع فارسی

۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، (بی تا)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم: انصاری محلاتی، محمدرضا، نسیم کوثر، قم.
۲. _____، (۱۳۷۴)، امالی للصدوق، مترجم: کمره ای، محمد باقر، اسلامیه، تهران.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل رسول، ترجمه: حسن زاده، صادق، انتشارات آل علی، قم.
۴. ابن طاووس حلی، (۱۳۷۷)، سیدرضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، غمنامه کربلا، مترجم: اشتهاودی، محمد، مطهر، تهران.
۵. اسفندیاری، محمد، (۱۳۸۴)، آسیب شناسی دینی، چاپ اول، صحیفه خرد، قم.
۶. امان الله، صفوی، (۱۳۷۸)، کلیات و روش‌ها و فنون تدریس، چاپ چهاردهم، معاصر، تهران.
۷. امین صارمی، نودر، (۱۳۸۰)، انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض، چاپ اول، دانشگاه علوم انتظامی، تهران.
۸. ایزدی همدانی، تقی، (۱۳۸۵)، توحید و صفات پروردگار، فجر قرآن، تهران.
۹. آراسته‌خو، محمد، (بی تا)، فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی، چاپ اول، چاپ خوش، تهران.
۱۰. آشنا، حسام الدین، (۱۳۸۷)، نقش اجتماعی رسانه‌ها در نظام اسلامی معاصر دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
۱۱. بیرشک، احمد و دیگران، (۱۳۶۹)، فرهنگ اندیشیدن، چاپ اول، مازیار، تهران.

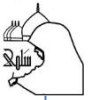




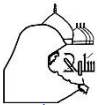
۱۲. پرسش و پاسخ‌های دانشجویی، (۱۳۸۶)، چاپ هفتم، دفتر نشر معارف، قم.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۱۲۲)، شرح غرر الحکم، مترجم: خوانساری، جمال الدین، دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. توفیقی، حسین، (۱۳۹۱)، آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ پانزدهم، نشر سمت، زمستان، تهران.
۱۵. جباران، محمدرضا، (۱۳۹۲)، علم اخلاق، چاپ چهاردهم، هاجر، ۱۳۹۱؛ چاپ دوازدهم، قم.
۱۶. جهانگرد، یدالله، (۱۳۷۲)، نحوه رفتار والدین با فرزندان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران.
۱۷. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، مدیریت فرهنگی، چاپ اول، امام عصر عجل الله تعالی فرجه، تهران.
۱۸. حسین زاده، سیدعلی، داوودی، محمد، (۱۳۸۰)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، چاپ ششم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
۱۹. دانایی، نسرین، (۱۳۸۸)، رسانه‌شناسی، چاپ اول، مبنای خرد، تهران.
۲۰. دژکام، علی، (۱۳۷۷)، تفکر فلسفی غرب از منظر استاد مطهری، چاپ دوم، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، تهران.
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۴۱)، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران.
۲۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، (۱۳۷۳)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، مترجم: خسروی، غلام‌رضا، چاپ دوم، مرتضوی، قم.
۲۳. رفیعی‌فر، شهرام، (۱۳۸۶)، مداخلات چند بخشی برای پیشگیری و کنترل خشونت خانگی در کشور، معاونت سلامت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، تهران.
۲۴. ساجدی، ابوالفضل، (بی تا)، دین‌گریزی چرا، تمدن اسلامی، تهران.
۲۵. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی ارتباطات، اطلاعات، تهران.



۲۶. ستوده، هدایت‌الله، (بی تا)، آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ پانزدهم، آوای نور، تهران.
۲۷. سلیمی، علی، داوری، محمد، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی کجروی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران.
۲۸. سهراب‌پور، همت، (۱۳۸۲)، جوانان در طوفان گرایز، چاپ سوم، بوستان کتاب، قم.
۲۹. شاکری، حمیدرضا، (بی تا)، قرآن و درمان‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۰. صدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسرین، (۱۳۷۴)، فرهنگ فارسی امروز، چاپ سوم، سروش، تهران.
۳۱. صفاری‌نیا، مجید، (۱۳۸۸)، روانشناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت، چاپ اول، دانشگاه پیام نور، تهران.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: کرمی، علی، انتشارات فراهانی، تهران.
۳۳. عمید، حسن، (۱۳۴۳)، فرهنگ فارسی عمید، جاویدان، چاپ اول، تهران.
۳۴. فتاحی، سید حمید، (۱۳۷۷)، با جوانان در ساحل خوشبختی، الهادی، قم.
۳۵. فلسفی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، الحدیث - روایات تربیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۳۶. _____، (۱۳۸۰)، جوان از نظر عقل و احساسات، چاپ چهاردهم، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران.
۳۷. قاسم‌پور، وحید، (۱۳۸۸)، آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای بیرون رفت از آن، هیمه، تهران.
۳۸. قائمی، علی، (۱۳۷۰)، خانواده و مسائل جوانان و نوجوانان، شفق، بی جا.



۳۹. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۴۰. کاشانی، مجید، (۱۳۹۰)، نقش رسانه در دین‌گزینی و دین‌پذیری در جوامع مختلف، چاپ اول، فرهنگ و هنر و ارتباطات، تهران.
۴۱. کامران فنی، علی‌رامین، (۱۳۸۹)، سادات، محمدعلی، چاپ اول، دانش گستر، تهران.
۴۲. کرمی، عبدالعظیم، (۱۳۸۲)، نکته‌های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان، چاپ هفتم، ستاد اقامه نماز، تهران.
۴۳. گنجی، حمزه، (۱۳۷۶)، بهداشت روانی، چاپ اول، ارسباران، تهران.
۴۴. گولد، جولیس، ل کولب، ویلیام، (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: زاهدی مازندرانی، محمدجواد، چاپ اول، مازیار، تهران.
۴۵. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی عمومی، مترجم: صبوری، منوچهر، چاپ چهارم، چاپ نی، تهران.
۴۶. محدثی، جواد، (۱۳۹۳)، چهل حدیث امام خمینی (ره)، هاجر، چاپ پنجم، قم.
۴۷. مدرس، محمد تقی، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، آستان قدس رضوی، مشهد.
۴۸. مرتضی، مطهری، (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، تهران.
۴۹. _____، (۱۳۸۸)، مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ پنجم، صدرا، تهران.
۵۰. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، (بی تا)، رویکرد اخلاقی در رسانه‌ها، چاپ اول، فرهنگی طه، تهران.
۵۱. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴)، اخلاق در قرآن، چاپ هشتم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۵۲. معین، محمد، (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، سرایش، تهران.



۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، دار الکتب الإسلامية، تهران.

۵۴. منوچهر، محسنی، (۱۳۷۷)، جامعه شناسی، چاپ پانزدهم، کتابخانه طهوری، تهران.

۵۵. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، (۱۳۸۵)، معرفت اخلاقی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.

۵۶. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، (۱۳۸۲)، راهبردهای اساسی خدمتگذاری در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، قم.

منابع عربی

۵۷. ابن ابی الحدید، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، قم.

۵۸. ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۴۰۱)، من لایحضر الفقیه، جامعه مدرسین، قم.

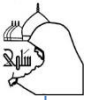
۵۹. ابن قولویه، ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی، (بی تا)، کامل الزیارات، المطبعة المبارکه المرتضویه، نجف.

۶۰. الولی، طه، (۱۴۰۹)، المساجد فی الاسلام، طبعه الاول، دار العلم للملایین، بیروت.

۶۱. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد، (۱۱۰۴)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل شیعه، آل بیت احیاء التراث.

۶۲. راغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودی، الطبعة: الأولى، دار القلم: الدار الشامیة - دمشق بیروت.

۶۳. راوندی، سید فضل الله بن علی، (بی تا)، النوادر للراوندی، دارالکتاب، قم.



۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامية)، محقق: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامية، تهران.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۵)، بحار الانوار، مکتبه السلامیه، تهران.
۶۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۱۱۱)، بحار الأنوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار عليهم السلام، السلامیه، بی جا .
۶۷. محمدی، ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، درالحديث، قم.

مقاله و سایت

۶۸. رفعت‌جابه، مریم، زنان و باز تعریف هویت اجتماعی، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۲، ۱۳۸۳.
۶۹. فجری، محمد مهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، روزنامه کیهان، ش، ۲۰۰۲۴، ۹۰/۶/۲۴.
۷۰. کرمی، غلامحسین، عابدی، محسن، نگاهی به ابعاد و کارکردهای تربیتی هنر رویش روان شناسی سال ششم، ش ۲ (پیاپی ۱۹)، تابستان ۱۳۹۶.
۷۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار ورزشکاران جانباز، ۱۳۷۲/۰۴/۲۹؛ <http://farsi.khamenei.ir>

صدا و سیما هنگام کوهپیمایی، ۱۳۷۵/۰۶/۰۲

<http://farsi.khamenei.ir>